



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

در رابطه با جریان صوفیه که در تهران به وقوع پیوست مطالبی را عرض خواهیم کرد، بنده در سال گذشته در بحث وقف به مناسبت وقف بر فِرَق عرض کردم که تمام فِرَق ۷۲ گانه ادعایی صوفیه منحرف هستند و جالب اینکه هرکدام از آنها دیگری را تکفیر می کنند و تنها وجه مشترک تمام آنها این است که دشمن اهل بیت علیهم السلام می باشند، امام صادق علیه السلام فرموده "إِنَّمْ أَعْدَانُنَا" و روایات زیادی در مذمت و انتقاد از صوفیه داریم، مقدس اردبیلی در حدیقه الشیعه و صاحب وسائل در رساله ای جداگانه و میرزای قمی در جامع الشتات و در همچنین جلد ۱۳ شرح نهج البلاغه خوئی انحرافات این فِرَق صوفیه را بیان نموده اند.

صوفیه چهره سازی و چهره آرای می کنند و کرامات و سخنان اهل بیت علیهم السلام را سرقت کرده و به نام خود چاپ می کنند تا چهره آرای کنند و عمده اینها ریشه در دوران ائمه علیهم السلام دارد که بنی امیه و بنی عباس آنها را درست و تقویت می کردند تا اهل بیت علیهم السلام را تحت الشعاع قرار دهند و خودشان حکومت کنند.

بنده حالات یک یک اقطاب و بزرگان صوفیه را مطالعه کردم و تمام انحرافات و لغزشهای آنها را در سه جلد نوشته ام.

یکی از بزرگان آنها مولوی می باشد که انحرافاتی دارد من جمله اینکه در شعری گفته: "آزمایش تا قیامت دائم است/پس به هر دوری ولیی لازم است/پس امام حی

مطلق آن ولی است/خواه از نسل عمر خواه از علی است!، خلاصه صوفیه انحرافات زیادی دارند و یکی از آنها این فرقه گنابادیه می باشد و علتش هم دور افتادن آنها از فرهنگ قران و فرهنگ اهل بیت علیهم السلام می باشد.

بعضی از تعابیر مسئولان در مورد صوفیه که گفته شده اینها عاقل و معتدل هستند درست نیست، نه اینها باطل و منحرف هستند و دروغ می گویند، اینها از اول با انقلاب نبودند و در دوران دفاع مقدس هم حضور نداشته اند.

شهادت شهدای نیروی انتظامی و بسیج را تسلیت عرض می کنیم، نیروی های انتظامی و بسیج خدمتگزاران صادقی هستند که بستر امنیت را در جامعه ایجاد می کنند و این امنیت را حفظ می کنند لذا هرچه سریعتر باید به جرائم و جنایات آنها رسیدگی شود و عاملان این جنایات باید قصاص شوند.

خب و اما بچثمان در قتل به عنوان یکی از موانع ارث بود، عرض کردیم که آیات ۱۱ و ۱۲ از سوره نساء و همچنین آیه آخر از سوره نساء عمومات ارث می باشند که در مواردی مثل کفر و قتل از آنها تخصیص خورده اند لذا گفتیم که کافر از مسلمان و همچنین قاتل از مقتول ارث نمی برد، بنابراین قاتل تخصیص خورد و از تحت عمومات ارث خارج شد ولی این مخصوص خودش مطلق است که مقید شده به این صورت که مطلق قاتل ممنوع از ارث نیست بلکه قاتل عمداً و ظلماً از ارث ممنوع می باشد و قاتل بحق و خطائی ارث می برد. چند بحث باقی مانده:

اول اینکه در قتل و یا جنایات خطائی دیه بر عهده عاقله می باشد البته جای این بحث در کتاب دیات

می باشد، عاقله اقوام اُبی مثل پدر و جد و برادر می باشند و این حکم نیز تعبدی است و مقدار زیادی از فقه ما تعبدی می باشد البته گاهی خود معصوم علت حکم را بیان کرده و گاهی علت بیان نشده ولی عقل ما علت حکم را می فهمد و گاهی نیز تعبدی محض می باشد که ما آن را از معصوم قبول می کنیم، کتابی داریم بنام جامع عباسی که تالیف شیخ بهائی می باشد و در آن مسائل فقهی را به زبان فارسی دسته بندی کرده و ظاهراً به دستور شاه عباس این کتاب را تالیف کرده، در جامع عباسی وقتی به بحث دیه و عاقله می رسد اینطور نوشته شده که شیخ بهائی وقتی بحث دیات را می گفت شاه عباس در درس شیخ حضور پیدا کرد و گفت به چه مناسبتی شخصی مرتکب قتل یا جنایت خطائی شده ولی عاقله او باید دیه اش را پردازند؟ شیخ فرمود عاقله بزرگان خانواده و قوم هستند لذا باید از هر نظر مواظب افراد قوم خود باشند و وقتی یکی از افراد آنها رفته و مرتکب قتل یا جنایت شده معلوم می شود که عاقله او کوتاهی کرده اند لذا شارع مقدس برای آنها جریمه ای قائل شده تا در تعلیم و تربیت و مواظبت و اداره و تدبیر افراد زیر دستشان دقت داشته باشند و از طرفی این یک حکم تعبدی می باشد.

مطلب دوم اینکه در وسائل چندین باب درباره ارث بردن از دیه داریم که احکام آنها تعبدی هستند من جمله باب ۱۰ از ابواب میراث که در صفحه ۳۹۳ از جلد ۱۷ وسائل ۲۰ جلدی واقع شده است و عنوان باب این است: "أن الدية يرثها من يرث المال إلا الإخوة والأخوات من الأم" که خب این حکم تعبدی می باشد و روایات این باب مورد عمل فقهاء ما نیز

می باشد منتهی امام رضوان الله علیه در مسئله ۵ از تحریر الوسیله فرموده آیا إخوه و أخوات اُمی بخصوصه از دیه ارث نمی برند یا اینکه این یک معیار و ملاک است برای اینکه بگوئیم کلاً متقرین به اُم اعم از إخوه و أخوات و جدوده و خنوله از دیه ارث نمی برند؟ ایشان می فرمایند إخوه و أخوات چون در روایات ذکر شده اند قطعاً ارث نمی برند اما در مورد الباقی متقرین به اُم بهتر است که صلح شود یعنی با وراث دیگر صلح شود.

مطلب دیگر اینکه در باب ۱۴ از ابواب میراث که در صفحه ۳۹۷ از جلد ۱۷ وسائل واقع شده اینطور گفته شده که دیه در حکم مال میت می باشد و این مطلب درست است.

این مطالب از بحثهای مربوط به قتل باقی مانده بود که امروز خدمتتان عرض کردیم و از فردا به سراغ موانع دیگری که برای ارث ذکر شده خواهیم رفت إن شاء الله تعالی... .

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی

مُحَمَّد و آله الطاهیرین

" توجه "

کانال رسمی حضرت آیت الله العظمی نوری همدانی (حفظه

الله):

@noorihamedani

کانال دروس خارج فقه حضرت آیت الله العظمی نوری

همدانی (حفظه الله):

@noorihamedanidars